

قصاب غزه در کاخ سفید

خالد حاج محمدی

ورود نتانیاهو، قصاب غزه، به امریکا و سخنرانی دیروز وی در کنگره امریکا با استقبال نمایندگان هر دو حزب و اعتراض و خشم مدافعین مردم فلسطین روبرو شد. اگر در سالن کنگره حامیان نتانیاهو، این جانی را برای نسل کشی و جنایت علیه بشریت در نوار غزه تشویق میکردند، واشنگتن زیر پای حامیان مردم فلسطین به لرزه در آمده بود.



دعوت از نتانیاهو به امریکا و سخنرانی وی در کنگره در شرایطی انجام میگردد که هماران، کشتار، ویرانی و تلاش برای غیر ممکن کردن امکان زیستن در نوار غزه و کرانه باختری، از جانب دولت و ارتش اسرائیل بشدت ادامه دارد. دولت اسرائیل طی ده ماه گذشته نه تنها دست به کشتار دسته جمعی مردم فلسطین زده است، بلکه همه امکانات زیستی در این منطقه از مراعات و منابع آب تا زیر ساختهای اقتصادی، اجتماعی، پزشکی و... را نابود کرده است. دعوت از نتانیاهو اعلام جنگ رسمی دولت بایدن و کنگره امریکا علیه دهها میلیون انسانی است که ده ماه است در حمایت از مردم فلسطین و علیه نسل کشی دولت اسرائیل فضای سیاسی امریکا را به تسخیر خود در آورده اند.

سخنرانی وقیحانه و بیشمارانه قصاب غزه، علاوه بر توجیه و دفاع از جنایت دولت صهیونیست و ارتش فاشیست اسرائیل علیه مردم فلسطین، تلاشی بود برای جلب توجه و حمایت دولت امریکا از سیاست جنگ طلبانه و میلیتاریستی خود در منطقه. نتانیاهو به روال همیشگی بر طبل گسترش جنگ در خاورمیانه، بویژه علیه ایران و متحدین آن، به عنوان «محور شر» که منافع امریکا و اسرائیل را به خطر می اندازند، کوبید و تلاش کرد نفس تازه ای در سیاست میلیتاریستی امریکا در منطقه بدمد!

دولت نژاد پرست اسرائیل، و نتانیاهو به عنوان رهبر آن، در تلاش اند برای نجات اسرائیل از انزوا و بن بست و بحران داخلی، برای نجات شخص نتانیاهو، کل منطقه را به آتش بکشند. تلاش میکنند دول غربی و در راس آن دولت امریکا را وارد رویارویی مستقیم و جنگی در منطقه کنند. دولت اسرائیل که علیرغم تمام جنایات وحشیانه خود طی ده ماه گذشته، هیچ آینده روشنی در مقابل خود متصور نیست، بیش از همیشه در بحران و انزوا کامل به سر میرد و راه پس و پیشی در مقابل خود ندارد و لذا گسترش جنگ در منطقه و حمایت همه جانبه دولت امریکا از خود را تنها راه نجات از این بن بست میداند. هدف اصلی این سفر برای نتانیاهو تامین این امر است.

چه نتانیاهو و چه نمایندگان مرتجع هر دو حزب، به این حقیقت که این تبلیغات جنگی اساسا برای توجیه جنایات تا امروز دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین و نشان دادن قدرت نداشته آن و سرپوش گذاشتن بر بن بست و استیصال هر دو دولت (اسرائیل و امریکا) در خروج از بحران فلسطین و تلاشی بیهوده برای بهبود موقعیت بی ثبات و نا بسامان دولت اسرائیل، چه در اسرائیل و چه در منطقه و جهان است، واقف اند. ... صفحه ۶

این قرارداد شایسته اعتصاب بزرگ کارگران نفت و پتروشیمی نیست

مصطفی اسدپور صفحه ۲

حکمتیست هفتگی ۵۲۱

۲۵ ژوئیه ۲۰۲۳ - ۴ مرداد ۱۴۰۳

سرها به سمت کارگران نفت میچرخد!



مصطفی اسدپور

تیر و مردادماه سال جاری تا همین جا دست در دست هزاران کارگر نفت، گاز و پتروشیمی نوید تحولات جدی در زندگی توده کارگر و زحمتکش در سراسر ایران را با خود دارد. اعتصاب گسترده و دامنه دار بخش های مختلف صنعت نفت را بهم گره زده است و آنچه در این اعتصابات میگردد، آنچه اعتصابیون مطالبه میکنند، هر تصمیمات و هر حرکت آنها توسط رسانه ها و پیشمار شهروند آن جامعه در عمق هم سرنوشتی «بلعیده» میشود.

در موج اعتصاب جاری دقیقا به خاطر دامنه مراکز درگیر، بخاطر اشکال متنوع اعتراض، و بخاطر پافشاری کارگران و قوت قلبی که هم سرنوشتی در خواستهای مشترک دامن میزند به سختی میتوان تمام اوج وسعت آنرا ترسیم کرد. همه جنوب، همه جا را بوی اعتصاب فرا گرفته است. در همه پر شور و امید بخش اعتصابات خود نمایی سه رگه اصلی از اهمیت زیادی برخوردار است:

اعتصاب کارگران پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی

از ابتدای ماه تیر و بدنبال هشدار قبلی موج بزرگ اعتراضی شبکه عظیم پروژه های نفت و پتروشیمی را فراگرفت و هر روز دهها مرکز تولیدی از کار باز ایستاد. کارگاهها و پروژه ها تعطیل شد و کارگران همزمان با ترک کار در هر مرکز با انتشار پیامهای مشترک در اعتراض به شرایط غیر قابل قبول کار و اعتراض به کارفرمایان سراسر مناطق جنوب را به اعتصاب کشاندد. اعتصابی که در ۳۱ خرداد ماه با سی شرکت و بالغ بر سه هزار کارگر استارت آن زده شد در نیمه مرداد بالغ بر بیست هزار کارگر در ۹۰ شرکت را در برگرفته و موج اعتصاب را تحت عنوان کمپین ۱۴ - ۱۴ در سراسر ایران و دنیای رسانه ای جهانی به صدر توجه راند.

«ما اعلام میکنم که اگر به کمپین و خواست ما برای ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت پاسخ داده نشود. اگر مزد ما متناسب با ... صفحه ۲»

آزادی برابری حکومت کارگری

این قرارداد شایسته اعتصاب بزرگ کارگران نفت و پتروشیمی نیست

مصطفی اسدیپور

این قرارداد نمیتواند پایان اعتصاب را به همراه داشته باشد کارگران در سراسر ایران! اعتصاب کارگران پتروشیمی اعتصاب همه طبقه ماست. برای پیروزی اعتصاب، برای به کرسی نشاندن اهداف آن که مطالبات مشترک همگی ما هستند، به حمایت از کارگران پروژه ای نفت و پتروشیمی همت کنیم.

اعتصاب بیش از بیست هزار کارگر پروژه ای نفت و گاز و پتروشیمی در مناطق جنوبی و عسلویه در آخر خرداد شروع و اکنون وارد چهارمین هفته خود شده و وسعت بیشتری به خود میگیرد. بنا به اطلاعاتی مندرج در سایت سندیکای فلزکار اعتصاب با مقاومت و روحیه اعتراضی کارگران همچنان دارد. خواسته های اعتصاب طی چهار سال اخیر حول خواسته های برحق از جمله مهمترین آنها درخواست افزایش دستمزد، حذف پیمانکاران و قراردادهای مستقیم با شرکت نفت، ساعت کار هشت ساعته و مطالبات رفاهی همواره از طریق کمپین اعتصابی دنبال شده است. مطابق اخبار رسیده روند اعتصاب همچنان حکایت از سرسختی کارگران در تاکید همبستگی و استقامت آنها دارد. این اخبار همچنین گویای شرایط نابرابر اعتصاب در تامین نیازمندیهای ساده از مکان تجمع و استراحت و تمهید قوای کارگران تا دسترسی به امکانات ارتباطی و بهداشتی آنها هم در سبب های مداوم کارفرمایان در شکست روحیه و مقاومت اعتصاب دارد.

در این متن و در چند روز اخیر نمونه قراردادهایی در محیطهای اعتصابی دست بدست میشود که در نکات اساسی شایسته اعتصاب پتروشیمی های طبقه کارگرایران نیستند. این قراردادها ظاهراً شامل خواست تغییر ساعات کاری مطابق طرح چهارده روز کار/ چهارده روز استراحت (۱۴ x ۱۴) تنظیم شده است، اما بطور واقعی خواست ها و موقعیت کارگران، نه فقط اعتصابیون بلکه کل طبقه کارگر در ایران را مورد حمله قرار میدهد. این قراردادها نه پیروزی بلکه عقب نشینی را نشان میدهند، به شرایط کارگران و مقاومت آنها بیگانه است، باید پس زده شود.

آیا یک عقب نشینی در کار است؟

تک تک کارگران نفت و پتروشیمی در حقانیت و بر عمق اراده و اعتراض در میان کارگران علیه تباہی و بهره کشی وحشیانه موجود در پهنه صنعت نفت واقف هستند. هر زمان اعتصاب پروژه ای ها، مطالبات آنها و هر گام از سرنوشت اعتصاب، در پیشروی یا عقب نشینی اعتصاب، اگر توازن قوا و اگر شرایط دشوار اعتصابیون را وادار به کوتاه آمدن از مطالبات سرکش خود مجبور کند، این کمبود، انعکاس کمبود و نارسایی صفوف سراسری همه طبقه ما است. بهبود شرایط کار، لغو پروژه ها و پیمانکاران، لگام زدن قراردادهای موقت، تضمین بیمه ها و تامین بهداشت و ایمنی و سایر مطالبات محوری تنها و تنها با مبارزه متحدانه سراسری به پیروزی قاطع تبدیل خواهد شد. در سلسله کمپین های اعتصابی اگر کارگران پروژه ای بسیار بیشتر از توان خویش مایه گذاشته اند و اگر هنوز تا پیروزی مجبور به سازش های ناقص شده اند، اینرا باید روی میز همفکری و چاره جویی در راه تدارک مبارزه سراسری قرار داد.

آنچه اعتصاب پروژه ای های نفت و پتروشیمی در مقابل کارفرما قرار میدهد یک آرزو و یا نقشه هایی برای مبارزه طولانی طی سالهای آینده نیست. واقعیت و همه ثقل دردناک آنجاست که آگاهی و آمادگی و همه ماتریال اعتراض کارگری همین امروز هم کافی است که پتروشیمی ها این قرارداد را بر روی اوباش کارفرما و قهر نوکرهایشان در اداره کار محل تف کنند. ... ادامه در صفحه بعد

سرها به سمت کارگران نفت...

درخواستهای اعلام شده مان افزایش نیابد و تبعیض در پرداختها و شرایط کاری از بین نرود وضع از همین قرار خواهد بود و تردیدی نداریم که بخشهای بیشتری از همکاران به اعتصاب خواهند پیوست». سه خواست محوری: افزایش دستمزد؛ انطباق ساعت کار بر مبنای ۱۴ - ۱۴؛ بهبود شرایط کار و امنیت شغلی؛ اعتراض سراسری کارگران را بهم گره زده است. اعتصاب پتروشیمی ها، مطابق اخبار رسیده از سندیکای فلز کار و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با دست کم ۱۲۳ شرکت و بیش از بیست هزار کارگر ماه تیر را پشت سر گذاشت و در شروع مرداد همچنان با سرسختی و با عقب نشینی بیش از ده شرکت پروژه ای ادامه دارد.

اجتماع اعتراضی پی در پی از جانب کارگران رسمی نفت

بنا به اخبار منتشره از کانال «افکار نفت» چند روز پیاپی در آغاز مرداد کارگران رسمی نفت در ادامه اعتراضات یکساله خود در سکوی نفتی بهرگانسر و شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری تجمع و اعتراض کردند. روز دوم مرداد این بخش از کارگران از مناطق نفتخیز جنوب در اهواز تجمع بزرگی داشتند و همزمان این کارگران در شرکت گاز فجر و منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی در عسلویه تجمع کردند. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق همکاران اخیر الاستخدام، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه ی مشاغل عملیاتی و بازنگاری اساسنامه ی تحمیلی صندوق بازنشستگی.

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث نفت

روز ۱۳ تیرماه کارگران ارکان ثالث در شرکت ملی حفاری در ادامه اعتراضات قبلی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود دست به اعتصاب زده و در اهواز تجمع کردند.

افزایش حقوقها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و حذف پیمانکاران، مطالبات اعلام شده کارگران ارکان ثالث را در سالهای اخیر و در انواع اشکال اعتراضی آنها تشکیل داده است.

اعتراضات ذکر شده نه تازگی دارد و نه قطعاً به این موارد محدود است. آنچه بروشنی مشهود است:

- اعتراضاتی است که کارشده تر و متنوع تر همزمان صورت میگیرد؛
- مطالباتی است که در هر قدم پوست تازه میاندازد تا تعداد بیشتری از کارگران را زیرپرچم مشترک متحد میکند؛
- و بخش های شقه شقه شده کارگران است که حضوراً دست در دست هم اتحاد بزرگ طبقاتی کارگری را شکل میدهند.

عزت و قدر، شور و درایت تک تک دست اندرکاران این خشت ها که در دل مخاطرات بسیار روی هم چیده میشود وصف نشدنی است.

تیر و مرداد سال ۱۴۰۳ را میتوان هر چند توأم با اغراق، ولی با فراغ خاطر و غرور، تولید تازه طبقه کارگر ایران در خطه جنوب، از دل نفتی های آن دیار فریاد زد!

متن قراردادهای منتشر شده برای اعتصاب کارگران پروژه ای نفت و گاز و پتروشیمی

(کمپین ۱۴۰۳، موسوم به چهارده روز کار/ چهارده روز استراحت (۱۴ x ۱۴))

ماده ۱: این قرارداد با رعایت مقررات اشتغال نیروی انسانی بیمه تامین بین طرفین قرارداد با مشخصات ذیل منعقد و مبادله میگردد.

ماده ۲: مشخصات کارفرما

ماده ۳: مشخصات طرف قرارداد

نام و تحصیلات

محل کار و شغل

نوع قرارداد: روزمزد

ماده ۴: مدت اعتبار این قرارداد از تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۴۰۳ تا تاریخ ۳۰ شهریور ۱۴۰۳ بمدت دو ماه میباشد که در صورت ابلاغ کتبی شرکت مبنی بر تمدید مدت قرارداد با مدت معین، این امر به منزله توافق طرفین بر تمدید مدت قرارداد برای مدت معین درج شده و ابلاغ میگردد.

ماده ۵: توضیحات

- کلیه مبالغ و فوق العاده ها و مزایای منطق، جمعه کاری، تعطیل کاری در بند خ محاسبه و لحاظ گردیده و از این بابت مبلغ دیگری پرداخت نخواهد شد.

- ساعت کار پرسنل صرفا عرف کارگاه و اعلام کارفرما میباشد.

- اضافه کاری صرفا تکمیل فرم درخواست و تایید کارفرما قابل پرداخت میباشد.

- ملاک محاسبه کارکرد شخص صرفا حضور و غیاب روزانه و همچنین دستگاه ثبت ورود و خروج کارفرما میباشد.

ماده ۷: حقوق و مزایای روزانه مندرج در این قرارداد بصورت ناخالص به مبلغ ۵۲۲۱۷۲۳۰ ریال میباشد که پس از کسر کسور قانونی حقوق خالص از طرف شرکت قابل پرداخت است.

تبصره یک ماده ۷: این قرارداد بر اساس دو شیفت کاری ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی تنظیم شده است که مبلغ کل حقوق دریافتی در روز ۱ کار جهت این سمت قراردادی معادل ۶۵ میلیون تومان میباشد. تبصره دو ماده ۷: طبق این تبصره طرف قرارداد بعد از ۱۴ روز کار باید محل کار خود را ترک کرده و در صورتیکه با موافقت کارفرما بیشتر از ۱۴ روز در کارگاه حضور داشته باشد حقوق و مزایای آن بر اساس پایه حقوق اداره کار محاسبه میگردد.

ماده ۸: به موجب ماه ۱۴۸ قانون کار، کارفرما مکلف است طرف قرارداد را نزد سازمان تامین اجتماعی بیمه نماید

ماده ۹: تعهدات طرف قرارداد:

۱- طرف قرارداد ملزم به رعیت اصل درستکاری و امانت داری در استفاده، حفظ و نگهداری و مصرف اموال و تجهیزات، اسناد و وجوه و تاسیسات

۲- طرف قرارداد ملزم میگردد کلیه موارد انضباطی در شرکت را رعایت و در انجام فعالیت و وظایف خود کوشا باشد.

۳- تمام اطلاعات مربوط به موضوع این قرارداد محرمانه بوده و طرف قرارداد متعهد میگردد از انتقال این اطلاعات به سایر اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی

۴- عقد این قرارداد هیچگونه حقی مبنی بر استخدام رسمی یا پیمانی و یا مدت موقت از سوی شرکت برای طرف قرارداد ایجاد نمیکند.

متن قرارداد که در شبکه مجازی منتشر شده است در آخر این نوشته ضمیمه است... ادامه در صفحه بعد

ساعت کاری چهارده روز کار/ چهارده روز استراحت (۱۴ x ۱۴) برای کارگران یک راه حل برای انطباق شرایط دشوار کار با شرایط زندگی خود است. برای کارفرماها اما فرصت تازه ای است که شرط و شروط بیشتری را بر کار و دستمزد کارگران سر هم کند. در کمپین سال گذشته موسوم به (۵۵ / بیست) بیست روز کار و ده روز استراحت، ظاهرا با قبول خواست کارگران؛ بیست روز کار در قراردادهای با بیست روز کاری ده ساعته عوض شد، دویست ساعت کار بلا انقطاع کار را شامل کردید که عملا ساعت کاری بیشتر از یک ماه را شامل میشد و در موازات آن بخشهای مهمی از موقعیت کارگران مورد حمله تازه قرار گرفت. کمپین بیست ده پیروز نشد، ضعفهای خود و سوالات محوری را برای سال بعد و کمپین بعدی به ارث گذاشت. کارفرمایان خیال همان توطئه را علیه طرح (۱۴ x ۱۴) در سر دارند.

پر واضح است که پیروزی مندرج در این قرارداد کاذب است و بیشتر از آن بچگانه است بتواند کسی از میان کارگران را فریب دهد. حتی اگر کل وعده موجود در قراردادهای متحقق شود کارگران پروژه ای برنده نخواهند بود و مهمتر اینکه یک ضربه مستقیم علیه موقعیت سراسری طبقه کارگر خواهد بود که جبران آن ساده نیست. مساله اصلی آنست که قراردادهای موجود نه در چهارچوب «فریب» بلکه برعکس، بعنوان تحمیل یک قرارداد با اتکا به توازن قوای معین توجه را بخود جلب میکنند. توازن قوای مدنظر هر چه باشد، مهر دخالت و هم سرنوشتی سراسری طبقه را با خود حمل میکنند. اگر از کمپین سال ۱۴۰۰ یک صف متحد در پشتیبانی کارگران پروژه ای شکل میگرفت؛ اگر توجه کارگران و اعتصاب آنها در انواع اجتماعات و اعتراضات به سوی حمایت مراکز کارگری جلب شده بود؛ اگر کارگران پروژه ای در همان کمپین بیست / ده به توطئه کارفرما پاسخ شایسته را میدادند... قراردادهای و عرض اندام مسخره کارفرما در مقابل کارگران آنهم با مفاد مسخره قراردادهای مورد بحث امروز هرگز مجال خود نمایی نمی یافت.

آیا کارگران زورشان میرسد، توانایی عملی تداوم و تشدید اعتصاب را دارند تا خیمه شب بازی قرارداد های موجود را جمع کنند؟ آیا کارگران اعتصابی واقعا مجبور به این حد از عقب نشینی هستند؟ هر چه هست، انتخاب کارگران اعتصابی علاوه بر نتایج عملی در زندگی واقعی آنها یک وجه سراسری طبقاتی نیز با خود حمل میکنند. در بحبوحه اعتراض پی در پی کل طبقه کارگر در مقابل قراردادهای موقت ضد کارگری و در بحبوحه چاره جویی کارگری علیه نا امنی شغلی ... متن این قراردادهای در پایان احتمالی یک اعتصاب از طرف صف میلیتانت و پر آوازه نفت/ پتروشیمی بسادگی قابل هضم و قابل جبران نیست.

هنوز تا خبری از تصمیمات سرنوشت ساز برای اعتصاب سال ۱۴۰۳ جنوب باید منتظر بود؛ هنوز باید در اشتیاق جای پای منافع مشترک طبقاتی و سراسری در انتخاب یک قرارداد شایسته توسط کارگران پروژه ای نفت و پتروشیمی گوشها را بر زمین چسباند. «سفره کارگران مشترک است»، این عبارت همراه تصاویر کارگران سیاه چرده پروژه ای ها با بقچه ساده بر شانه خویش، مهر خود را در دل سوخت و ساز یک نسل کارگری از جامعه کوئید که کارگران نان سفره، و بعلاوه سرسختی اعتصاب نیز به همان اندازه شریک هستند. در موقعیت امروز طبقه کارگر پتروشیمی ها راه را بر اعتصاب و کشمکش رو در رو، بلند پروازی در مطالبات، ابتکار در بسیج و تقویت اتحاد کارگری باز کرده اند. کارگران نفت و پتروشیمی سنگر و پرچمدار مهم مبارزه علیه اخراج و علیه ناامنی شغلی در راس مطالبات سراسری طبقه ما را تشکیل میدهند.

کارگران پروژه ای را با قراردادهای ضد کارگری تنهانگذاریم!

ملاحظات بر قراردادها

قرارداد حاضر یک سند ننگین و قلدرانه، در تحقیر «طرف قرارداد» و از یک موضع کاملا نابرابر و فقدان احترام نسبت به فرد کارگر تحریر و تنظیم شده است. (در تمام متن حتی یک بار هم که شده از ذکر کلمه کارگر خود داری شده است!) این قرارداد گویای آشکار کینه جویی کارفرما از مطالبات «طرف قرار داد»، و گویای فرصت طلبی کارفرمای مربوطه در چزاندن بیرحمانه طرف کارگری از هر فرصت است که مقررات و قوانین و عرف معمول در اختیار او قرار میدهد. این کاغذ پاره بیان حقوق و احترام یک کارگر در تحمیل مطالبه خود مبنی بر چهارده روز کار/ چهارده روز استراحت (۱۴ x) نیست. این قرارداد بیان تمام عیار، خشن و فرعون منشانه کارفرمای افسار گسیخته است که در مناطق آزاد تجاری و صنعتی دندان برای کندن پوست کارگر تنها و بی کس، و فقیر و بی پناه تیز کرده است.

کسی حق ندارد، و بطریق اولی کارفرما حق ندارد کارگران را به امضای این زیاله وادار کند. اعتصاب کارگری و مطالبات آن نه جرم است و نه گناه. این زنجیره کارفرمایی که کارگر را از حرف زدن، نفس کشیدن، دیده شدن، از احترام، از جمعه های هفته محروم میکند، نباید، شایسته نیست که به اسم قرارداد و تعهد و تمایل و اراده کارگر دوره بیافتد.

توجه به موارد زیر، مشتی از خورار گویا است

نوع کار و قرارداد:

قرارداد مدنظر نوع قرارداد را در ماده شش به «روزمزد» کاهش میدهد تا بخش مهمی از حقوق کارگری را منکر شود. این قرارداد شامل بر کاری است که بطور مستمر توسط کارگران معین پیگیری میشود. این کارگران هر روز از نو در دور میدان مرکزی شهر در خدمت شهرداری یا برای بهره کشی در کارهای ساختمانی در روز معین «شکار میشوند».

کارفرمای مشت رند پتروشیمی بیجهت خود را به نفهمی میزند، چهارده روز کار/ چهارده روز استراحت (۱۴ x ۱۴) بوضوح و روشنی قراردادی مبتنی بر نویت کاری را شامل میگردد که زمینه ساز اصلی آن شدت و عوامل نامساعد محیط کار است. قرارداد حاضر سراسر در دشمنی و انکار (۱۴ x ۱۴) تنظیم شده است. تبصره اول ماده ۷ قرارداد را بر اساس «دو شیفت کاری ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی» تعریف میکنند. جمل الخالق، «مرخصی»!!

بنا به قرارداد، کار مستمر، توافق کارفرما برای تنظیم ساعات کار ادامه دار کارگر در طول یک دوره منتفی است. تبصره دوم ماده ۷ کارگر را موظف میسازد بعد از «شیفت کار ۱۴ روزه» محل کار را ترک کند. مطابق این قرارداد، در دو هفته متعاقب او میتواند توسط همان کارفرما در همان کارگاه بکار گرفته شود، به شرط آنکه (مطابق تبصره دوم در ماده ۷) نه در ایام «مرخصی» از قرارداد معتبر خود، بلکه با «حقوق و مزایای مبتنی بر اساس پایه حقوق اداره کار» تن دهد.

خاصیت عبارت «مرخصی» برای کارفرما از شمار خارج است. این ایام، مرخصی با اراده مستقیم کارگر از بسیاری از همان «امتیازات و مزایای» حقیر قانون کار از جمله بیمه و بازنشستگی و بیکاری محروم است.

در تشابه با قرارداد کمپین «بیست - ده» تقلب بزرگ در همان محاسبه ساعات کاری است. محاسبه ظاهرا بر سر چهارده روز کاری است، در کدام روز های هفته، کدام ساعات شبانه روز و در طول چند ساعت؟ قرارداد اساسا بدون ذکر هر گونه محدوده و مشخصات برای ساعات کار از هر گونه اعتبار خارج است. قراردادهای بردگان باستان نیز بر ساعات کار بهر حال قابل تعریف متکی بودند! در قرارداد مد نظر ما در چند کلمه ساعت کار پرسنل را به «طبق عرف کارگاه و اعلام کارفرما» حواله میدهد. اما در لابلای سطور جزئیات مهمی در مورد ساعات کار نمایان میشود:

اولا: هر چقدر «اعلان کارفرما» یا «عرف کارگاه» بیهوده است اما قرارداد در جای دیگر جای شک باقی نمیگذارد: «کلیه مزایا، جمعه کاری، تعطیل کاری و ... لحاظ گردیده و از این بابت مبلغ دیگری پرداخت نخواهد شد» (توضیحات ماده ۵)

ثانیا، هر روز دو ساعت اضافه کاری در هر روز کار از قبل گنجانده شده است. این بخودی خود به معنای ۲۸ ساعت کار اضافی در هر پاس است که معادل بیشتر از سه روز کار میباشد.

ثالثا: آیا انتظار زیادی است که کارفرمایان مبتکر این قراردادها به ناسزا گرفت که ۱۴+ ۳ روز کار کارگر، یعنی ۱۷ روز کار را تنها ۱۴ روز کار جا میزنند؟

سکوت قرارداد در مورد تعهدات کارفرما در زمینه استراحت، خوابگاه و ایاب و ذهاب

با توجه به موقعیت کارگاه و محل ماموریت کارگران تعهدات کارفرما در زمینه تامین کیفیت قابل قبول برای استراحت، تامین غذا و ایاب و ذهاب همواره از مفاد پایه ای در قراردادها بوده است. این عرصه همواره دست کارفرما را در بهره کشی وحشیانه باز گذاشته است. قراردادی که در تعیین وظایف و تعهدات کارگر سر به هزار سوراخ میسکند اما در تعهدات کارفرما تماما خفه خون میگیرد دیگر در برهوت برده داری مناطق ویژه تجاری و صنعتی جنوب ایران هم باید نویر بحساب بیاید. در همین چهارچوب، ماده پنج فقط یک مجازات میتواند به حساب بیاید. فرصت طلبی کارفرمای موذی سر به آسمان میگذارد. ترک محل کار پس از چهارده روز برای چیست؟ دست کارگران از محل خواب احتمالی و غذا و اقدامات جمعی با دیگر کارگران کوتاه میشود. نعمت مهمتر آنستکه کارفرما در بهره برداری از کارگر بی پناه بساط سود جویی کثیف خود را پهن میکند. اگر مجبور شدی پمانی و اگر توانستی دل کارفرما را بجا بیاوری تازه باید به دستمزد معادل اداره کار دل خوش کنی!

مزایا؟!

به لیست بلند بالا در ماده ششم قرارداد نگاهی بیاندازید! این قرارداد دارد دستمزد کارگر را تا قران آخر هرس میکند، محاسبه دستمزد ثابت کارگر را به حداقل ممکن میرساند تا در صورتیکه کارفرما و یا بیمه مجبور به پرداخت چیزی باشند در کمترین سطح ممکن صورت بگیرد. «مزایای رفاهی و انگیزشی» دیگر باید شوخی باشد.

حق السکوت!

قرارداد حاضر یک سند ننگین برای تلکه، پاپوش دوزی علیه کارگران است. آیا کسی خیر دارد کدام مرجع و به سفارش چه کسی مفاد این قرارداد را تهیه دیده است؟ در بند ۳ ماده نهم کارفرما دست پیش میگیرد و با التزام کارگر در مخفی نگاه داشتن مضمون قرارداد کار راه را عملا بر هرگونه مبارزه و اتحاد کارگری ببندد. مطابق این قرارداد شکایت کارگر با صدای بلند دلیل کافی برای اخراج بلافاصله وی از کار محسوب میگردد! ادامه در صفحه بعد

صلاحیت طرف قرارداد و با عدم رضایت از خدمات وی به هر دلیل توسط کارفرمایان، عدم رعایت مقررات انضباطی شرکت و کارگاه، خاتمه کار و یا تعطیل پروژه به هر دلیل می‌تواند برحسب مورد فسخ این قرارداد شود. (بند دوم از ماده ده)

البته کارگر نیز می‌تواند مشروط به انجام تمام تعهدات محوله قرارداد را فسخ کند: در صورت فسخ قرارداد، طرف قرارداد متعهد است کارهای نیمه تمام را تمام به انجام برساند و به شرکت تحویل دهد. (بند سوم از ماده ده)

این تازه آخر خط نیست. هنوز باید به لگد آخر به حرمت و کار و حقوق کارگر در ماده ۱۱ قرارداد مربوطه پرداخت آنجا که تکلیف اختلاف نظر و شکایت کارگر به «قانون اشتغال نیروی انسانی در مناطق ویژه تجاری و صنعتی ارجاع» داده میشود. این قانون جایی است که تنها امید، تنها مرجع و دادخواه کارگر به حکم داوری (رای اکثریت از) سه نفر، متشکل از نماینده کارفرما و نماینده رئیس منطقه و خود کارگر شاکی سپرده شده است. بد نیست یادآور شد که مطابق قوانین مربوطه حکم داوری لازم الاجرا است و طی ده روز برای اجرا به دایره اجرای احکام دادگستری سپرده میشود.

بیمه کارگر

ماده هشتم کارفرما را ظاهراً متعهد به بیمه کارگران می‌سازد. اما در لیست کسورات کارفرما از حقوق ماهانه کارگر جهت حق بیمه خیری نیست. در ادامه موضوع بیمه ها، فقدان کمترین شرافت در تنظیم این قرارداد آنجاست که در به همین سیاق یکسری هیچ اثری از تعهدات کارفرما برای سرویس و ایاب و ذهاب و غذاخوری دیده نمیشود. باید دید که کارفرما چه خوابی برای تلکه کارگران در این بیغوله ها دیده است. ماده پنجم مسئولیت حضور غیاب را بگردن خود کارگران می‌اندازد که از یک طرف کارگران را (بدون حق اضافه کاری) وادار به پایان وظایف روزانه میکند و از طرف دیگر راه را برای جریمه و کسر ساعات کار در صورت تاخیر (که در فقدان وسایل ایاب و ذهاب یک مشکل بزرگ و دائمی است) هموار می‌سازد.

و در آخر و اما مهمتر از هر چیز باید به هردنبیل اختیارات کارفرما برای اخراج کارگر در هر زمان و به هر مبنایی، بدلخواه و فورا لازم الاجرا اشاره کرد: «درخواست خاتمه کار از طرف کارفرما، عدم تأیید

مقتضای قرارداد:

ماده ۱- این قرارداد با رعایت مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی بین طرفین قرارداد با مشخصات ذیل منعقد و مجادله می گردد.	
ماده ۲- مشخصات شرکت کارفرما: پنج صنعت سازه	
ماده ۳- مشخصات طرف قرارداد	
شماره پرسنلی	۱۰۳۷
نام و نام خانوادگی	احمد کوراولد تخت سبزی
نام پدر	نام پدر
شماره شناسنامه	شماره از
شماره از	شماره از
محل کد ملی	محل کد ملی
محل کد ملی	محل کد ملی
تاریخ استخدام	۱۳۰۳/۰۴/۲۰
محل کار	منطقه صنعتی باستان پروژه
نوع قرارداد	نوع قرارداد
تاریخ شروع	تاریخ شروع
محل کار	محل کار
نوع قرارداد	نوع قرارداد
تاریخ شروع	تاریخ شروع
ماده ۴- مدت اعتبار این قرارداد از تاریخ ۱۳۰۳/۰۴/۲۰ تا تاریخ ۱۳۰۳/۰۴/۲۰ به مدت ۲ ماه میبا شد که در صورت اطلاع کتبی شرکت پیش از تمدید مدت قرارداد با مدت مجزی، این امر به سزای توافق طرفین بر تمدید مدت قرارداد برای مدت مروج شده در اطلاع می باشد.	
ماده ۵- توضیحات:	
کلیه مطالب و فوق العاده ها و مزایای منطقه (. . .) جمعه کاری ، تعطیل کاری با هر بند "ع" محاسبه و محاسبه و از این بابت مبلغ دیگری پرداخت نخواهد شد.	
ساعات کار پرسنل طبق عرف کارگاه و اعلام کارفرما می باشد.	
اضافه کاری صرفاً با تکمیل فرم درخواست و تأیید کارفرما قابل پرداخت می باشد.	
سلاک محاسبه کارکرد شخصی صرفاً حضور و غیاب روزانه و همچنین مستطک ثبت ورود و خروج کارفرما می باشد.	
ماده ۶- حقوق و مزایای روزانه مندرج در این قرارداد بصورت ماهیانه به مبلغ ۲۹۱۷۲۲۰ ریال در روز می باشد که پس از کسر کسور قانونی، حقوق خالص از محل اعتبارات شرکت قابل پرداخت است.	
نیمه یک ماهه ۱۷۷۰۰۰ ریال در روز کار و ۱۴ روز مرخصی تقویم شده است که مبلغ کل حقوق برپایه این ۱۴ روز کار جهت این سمت قراردادی معادل ۲۹۱۷۲۲۰ ریال تخم و پنج میلیون تومان می باشد.	
نیمه دو ماهه ۷۰۰۰۰ ریال از نیمه طرف قرارداد بعد از ۱۴ روز کار باید معادل کار خود را ترک کرده و در صورتی که با موافقت کارفرما بیشتر از ۱۴ روز در کارگاه حضور داشته باشد حقوق و مزایای آن براساس پایه حقوق تازه کار محاسبه می گردد.	
ماده ۸- به موجب ماده ۱۴۸ قانون کار، کارفرما مکلف است طرف قرارداد را نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه نماید.	
ماده ۹- تعهدات طرف قرارداد:	
۹-۱- طرف قرارداد نظیر به رعایت امانت در استفاده، حفظ و نگهداری و مصرف اموال، تجهیزات، اسباب و مدارک، وجوه و تأسیسات شرکت می باشد.	
۹-۲- طرف قرارداد ملزم می گردد کلیه موارد انضباطی در شرکت را رعایت و در انجام فعالیت و وظایف خود توشه باشد.	
۹-۳- اعلام اطلاعات مربوط به موضوع این قرارداد محرمانه بوده و طرف قرارداد متعهد میگردد از انتقال این اطلاعات به سایر اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی خودداری نماید.	
۹-۴- طرف این قرارداد هیچگونه حقی منحصراً بر استفاده رسمی یا پیمانی یا مدت موقت از سوی شرکت برای طرف قرارداد ایجاد نمی کند.	
ماده ۱۰- شرایط فسخ:	
۱۰-۱- این قرارداد با توجه به بند (۱) ماده ۱ قانون کار در پایان مدت قرارداد منقضی و در صورت نیاز و با توافق طرفین برای یک دوره دیگر تمدید می باشد که این تمدید با اطلاع کتبی کارفرما نیز جاری خواهد شد. در غیر اینصورت کلیه آثار قرارداد از تاریخ انقضاء آن لغو تلقی شده و شرکت هیچ تعهدی نسبت به ادامه همکاری طرف قرارداد نداشته و تسویه حساب کامل به عمل خواهد آمد.	
۱۰-۲- در خواست خاتمه کار در هر زمان از طرف کارفرما، عدم تأیید صلاحیت طرف قرارداد و یا عدم رعایت از خدمات وی به هر دلیل توسط کارفرمایان ، عدم رعایت مقررات انضباطی شرکت و از کارگاه از جانب طرف قرارداد، خاتمه کار و یا تعطیل پروژه به هر دلیلی میتواند بر حسب مورد موجب فسخ این قرارداد شود.	
۱۰-۳- در صورت فسخ قرارداد ، طرف قرارداد متعهد است کارهای نیمه تمام را تمام به انجام برساند و به شرکت تحویل نماید.	
ماده ۱۱- کلیه موارد پیش بینی نشده در این قرارداد تابع مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد خواهد بود.	
این قرارداد مشتمل بر ۱۱ ماده و دو نیمه فر ۱ منتهی تهیه، تنظیم و به امضاء طرفین رسیده و کلیه نسخ حکم واحد را دارند.	
نام و نام خانوادگی طرف قرارداد:	رئیس کارگاه شرکت پنج صنعت سازه
امضاء و اثر انگشت:	امضاء و اثر انگشت سبزی

هر دو چه بایدن و کنگره امریکا و چه نتانیاهو و دولت اسرائیل به این نمایش مشمترکننده نیاز دارند. باید به هر نحوی صورت خود را با سیلی سرخ نگاه دارند!

سخنان گستاخانه نتانیاهو در کنگره و در میان دوستان و متحدین خود از هر دو حزب، دهن دریدگی و حمله وی به صدها هزار انسانی که در واشنگتن و... به حضور او در آمریکا و علیه جنایات اسرائیل دست به تجمع و تظاهرات زدند، توهین و اهانت به آنها به عنوان «احمق» و کف زدن اکثریتی از نمایندگان هر دو حزب، جایگاه دولت باید، کاخ سفید و هر دو حزب دمکرات و جمهوری خواه را در جنایات جنگی در فلسطین و دشمنی آنها با ابتدایی ترین حقوق انسانها را نشان میدهد. دولت های غربی و در راس آنها دولت آمریکا در ۷-۸ دهه اخیر نقش مستقیمی در جنایات اسرائیل علیه مردم فلسطین داشته اند. ده ماه گذشته دولت بایدن نه تنها با کمکهای نظامی و تسلیحاتی، مالی، سیاسی، اطلاعاتی و میدیای همراه نتانیاهو و دولت او بوده است که بعلاوه نقش بسزایی در کشاندن کل دولتهای غربی به حمایت مستقیم از اسرائیل داشت.

اینکه عمر اسرائیل به عنوان بازوی نظامی غرب و قدرت نظامی مهم آنها در خاورمیانه به تاریخ پیوسته است، اینکه جنایات این دوره دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین روی شانه های دولتهای غربی و مشخصا دولت بایدن انجام گرفته است امروز دیگر داده چند میلیارد انسان در کره زمین است. دولت بایدن صرفا حامی جنایات و نسل کشی دولت اسرائیل نیست، دولت بایدن با حمایت بی قید و شرط از دولت اسرائیل و مهمتر با فراهم آوردن امکانات مالی، سیاسی، نظامی این جنایت، عامل مستقیم این نسل کشی بود و هنوز هم هست. دولت بایدن و روسای بسیاری از دول غربی از انگلستان، آلمان، فرانسه و... تا احزاب پارلمانی آنها در کنار نتانیاهو ها در لیست جنایتکاران جنگی قرار دارند. اینها شریک جرم نیستند، اینها از مجرمین و جانیان علیه بشریت اند!

نسل کشی امروز در نوار غزه و ابعاد دهشتناک چند دهه جنایت علیه مردم فلسطین، بیداری بشریت علیه این جنایت و جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین و برای آزادی آنها، حضور قدرتمند این جنبش طی چند ماه گذشته، شکافهای جدی را به دول غربی و ساختارهای جهانی تحمیل کرده است.

ابعاد جنایت و توحش دولت اسرائیل حتی سازمان ملل و نهادهای آنرا وادار به فاصله گرفتن از دولت اسرائیل و جنایات آن علیه مردم فلسطین کرده است. امنستی سالها است از دولت اسرائیل بعنوان دولت آپارتاید نام میبرد و علیه جنایت جنگی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین اعتراض کرده است. "کمسیون حقوق بشر" سازمان ملل دولت اسرائیل را به جنایات جنگی در غزه متهم کرده و قطعنامه ای را در این زمینه به تصویب رسانده است. پرونده دولت اسرائیل به جرم ارتکاب به جنایت جنگی و نسل کشی از جانب دولت افریقای جنوبی و با حمایت چندین کشور در دادگاه لاهه باز شده است. دادگاه کیفری لاهه علیه اشغال مناطق فلسطینی توسط اسرائیل در کرانه باختری حکم (مشورتی) صادر کرده است. "آژانس امداد رسانی سازمان ملل به آوران فلسطینی" (آنروا) بارها به نسل کشی دولت و ارتش اسرائیل علیه مردم فلسطین، به پاکسازی قومی در نوار غزه، به بمباران اردوگاههای آوران این نهاد و کشتار وسیع مردم بی پناه و حتی کشتار مامورین و کارکنان خود اعتراض کرده است و بهای آنرا نه فقط با بمباران و کشتار از طرف دولت فاشیست اسرائیل که با قطع کمکهای مالی از طرف دول غربی پرداخت. پزشکان بی مرز، خبرنگاران مستقل، نهاد های حقوق بشری و... همگی به کرات به جنایات اسرائیل، به کشتار عمدی غیر نظامیان، نسل کشی، حمله به بیمارستان و مدرسه و قتل و ترور خبرنگاران و... اعتراض کرده اند.

اسرائیل در مدت حدود ده ماه گذشته نزدیک به چهل هزار نفر از مردم فلسطین را کشته و صد هزار نفر را زخمی کرده است. هنوز اجساد دهها هزار نفر هم زیر آوار مانده است. در تمام این مدت همه طرح و برنامه و تلاشها برای نه تنها پایان دادن به کشتار بلکه برای وقفه در این نسل کشی از طرف دولت اسرائیل و با حمایت و حق وتوی، آمریکا در سازمان ملل رد شده است.

همزمان حمایت بی قید و شرط دول غربی از دولت اسرائیل زمانیکه این دولت به عنوان عضو سازمان ملل پایبند به هیچیک از قوانین این سازمان، به هیچیک از توافقات بین المللی نیست، به هیچیک از خواستها و قطعنامه های این سازمان واقعی نگذاشته و نمیگذارد و از اعلام رسمی آن ابایی ندارد، زمانیکه نماینده اسرائیل در سازمان ملل منشور سازمان ملل در صحن این سازمان را پاره میکند و بهایی برای این سرپیچی، غیرقانونی عمل کردن نمیپردازد، موضوعیت وجود سازمان ملل، نهادهای بین المللی برای حفظ نظم جهانی، قوانین، توافقات و... را با مخاطره جدی روبرو کرده است.

امروز خواست اخراج اسرائیل از سازمان ملل، بدلیل برسمیت نشناختن این سازمان و متعهد نبودن به ابتدایی ترین قوانین بین المللی و زیر پا گذاشتن مکرر و سیستماتیک آنها، قطع همه روابط سیاسی و دیپلماتیک، قطع هر نوع کمک نظامی و تسلیحاتی به دولت فاشیست اسرائیل و محاکمه سران آن به عنوان جنایتکاران جنگی و عاملین نسل کشی در نوار غزه، خروج فوری و بدون قید و شرط نیروهای اشغالگر اسرائیل از نوار غزه و کرانه باختری و پایان محاصره نوار غزه بخش مهمی از خواست میلیونها انسان بشردوست و آزادیخواه در سرتاسر جهان است. جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین باید برای متحقق کردن این خواسته ها با صدایی رساتر به میدان بیاید. باید انزوای دولت فاشیست اسرائیل معنی عملی، سیاسی، نظامی وسیعتری پیدا کند.

مردم فلسطین چشم امید خود را به این جنبش و ادامه آن در ابعادی گسترده تر، با مطالباتی رادیکالتر و فوری تر بسته اند. جنبشی که مهر خود را بر فضای سیاسی داخلی در تمام کشورها، بر صفتبندی های سیاسی جهان زده است. این جنبش اکنون به اعتراض جهانیان به فقر و بی حقوقی، به میلیتاریسم و توحش دولتهای کاپیتالیستی در خود غرب گره خورده است. این مهم هر روز میدان بازی ارتجاع منطقه به نام «دفاع از مردم فلسطین» را از دولتهای ایران و ترکیه تا دول فاسد جهان عرب را تنگ تر میکند.

عرض اندام طبقه کارگر در غرب و خاورمیانه علیه ارتجاع جهانی و منطقه ای، علیه دولت اسرائیل و شرکایش و جنایاتشان، تنها امید پایان دادن به این توحش و افسار زدن بر فاشیسم حاکم در اسرائیل و حامیان جهانی آن است.

کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و

تشکل حزب شما است.

حزب را از آن خود کنید!

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:
Yahsat w1A
27500 عمودی

Eutelsat W3A
10721 افقی 22000

hekmatist.com

تماس با حزب

 @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

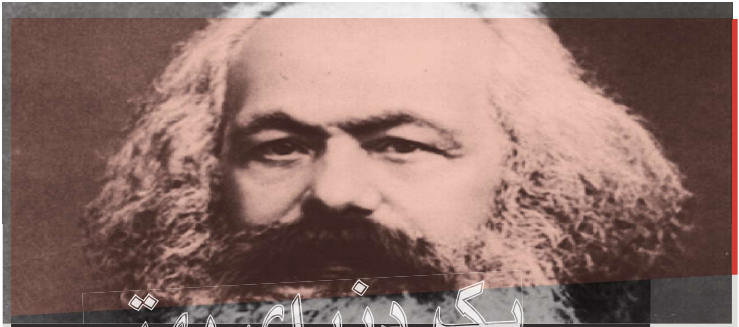
سر دبیر: فواد عبداللهی

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



نینا



یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!